

آغاز تلاوت

بر اساس تعالیم قرآنی، مستحب است که قاریان قرآن، تلاوت آیات کلام الله مجید را با «استعاذه» آغاز نمایند.

استعاذه

«إِسْتِعَاذَةٌ» در لغت به معنای «پناه بردن» و در قرائت قرآن عبارتست از گفتن جمله:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

یعنی: «از شیطان رانده شده به خداوند پناه می برم»
البته اصل «استعاذه» باید در قلب و نیت قاری قرآن واقع شود و هم زمان بر زبان جاری گردد.

بسملة

کلمه «بَسْمَلَةٌ» به معنای «نام خدا را بر زبان آوردن» بوده و در قرائت عبارتست از گفتن جمله:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

یعنی: «بنام خدای بخشنده و مهربان»

مستحب است قاری قرآن پس از استعاذه و قبل از تلاوت آیه، عبارت فوق را بخواند. البته «بسملة» در «آغاز» تمامی سوره های قرآن - به غیر از سوره توبه - همراه با سوره نازل شده و خواندن آن واجب است.

سوره توبه بر خلاف بقیه سوره های قرآن بدون بسملة نازل شده و گفتن بسملة در آغاز آن ممنوع است!



وقف و ابتداء

باب وقف و ابتداء از مباحث مهم قرائت کلام الله مجید است و پس از فراگیری « تجوید »، آموختن محل های مناسب وقف و وصل و ابتداء، آغاز می گردد.

البته ما در این کتاب، فقط به شرح مختصر « طرق وقف بر آخر کلمات » و نیز « علائم وقف » و « نحوه ابتداء کلمات به همزه وصل » می پردازیم.

طرق وقف بر آخر کلمات

وقف بر آخر کلمات، به دو روش صورت می گیرد:

۱- ابدال ۲- اسکان

وقف ابدال

ابدال، یعنی « تبدیل کردن - دگرگون نمودن » در این نوع وقف، حرف آخر کلمه به هنگام وقف، به حرف دیگری تبدیل می شود.

وقف ابدال دو مورد دارد:

۱- وقتی آخر کلمه، تاء گرد (ة) قرار دارد، این نوع تاء، در وقف به « هاء ساکنه » تبدیل می گردد.

مثال: (رَحْمَةٌ ← رَحْمَةٌ) - (نِعْمَةٌ ← نِعْمَةٌ) - (حَيَوَةٌ ← حَيَوَةٌ) -
(التَّوْرِيَّةُ ← التَّوْرِيَّةُ) - (الصَّلَاةُ ← الصَّلَاةُ) - (تُقِيَّةٌ ← تُقِيَّةٌ)



۲- در کلماتی که به تنوین نصب (ِ) ختم شده اند، این تنوین در وقف، تبدیل به الف مدی می شود.

مثال: (حِسَابًا ← حِسَابَا) - (غَفُورًا ← غَفُورَا) -
 (كَرِيمًا ← كَرِيمَا) - (هُدًى ← هُدًى) - (ضُحًى ← ضُحًى) -
 (طُورٍ ← طُورِ) - (مَاءٌ ← مَاءِ)

وقف اسکان

اسکان، به معنای «ساکن نمودن» و در اصطلاح قرائت، عبارت از این است که: حرف آخر بقیه کلمات (غیر از موارد ابدال)، با هر حرکتی در هنگام وقف ساکن می گردد.

مثال: (مَقَاعِدَ ← مَقَاعِدْ) - (كُتِبَ ← كُتِبْ) - (يَوْمٌ ← يَوْمِ) -
 (هُوَ ← هُوَ) - (هِيَ ← هِيَ) - (يَزْتَدُّ ← يَزْتَدُّ) - (نَفْسٍ ← نَفْسِ) -
 (بَصِيرٌ ← بَصِيرِ)

استثناء وقف اسکان:

حرف مفتوح آخر کلمات هفتگانه:

أَنَا - لَكِنَّا - الظُّنُونَا - الرَّسُولَا - السَّبِيلَا - سَلَا سِلَا - قَوَارِيرَا

که در قرآن به همین صورت نوشته می شوند، در موقع وقف بجای اسکان، ابدال به الف مدی می شود. بدین صورت:

موضع	در وقف	در وصل
(مکرر در قرآن)	أَنَا	أَنَا - ۱
(کهف - ۳۸)	لَكِنَّا	لَكِنَّا - ۲
(احزاب - ۱۰)	الظُّنُونَا	الظُّنُونَا - ۳

موضع	در وقف	در وصل
(احزاب - ۶۶)	الرَّسُولَا	۴- الرَّسُولَ
(احزاب - ۶۷)	السَّيْلَا	۵- السَّيْلَ
(دهر - ۴)	سَلَا سِلَا البته در وقف، سلاسل نیز خوانده می‌شود.	۶- سَلَا سِلَ
(دهر - ۱۵)	قَوَارِپْرَا	۷- قَوَارِپْرَ

البته کلمه «قواریر» دوم در ابتدای آیه بعد (آیه ۱۶) مطابق معمول از قاعده وقف اسکان تبعیت می‌کند.

بدیهی است کلماتی که حرف آخرشان ساکن است و یا به حروف مدّی ختم شده‌اند، بدون تغییر، وقف می‌شوند.

مثال: لَا تَذَرُ - سَطِیْحَتٌ - كَوْرَتٌ - رَبِّهِمْ - أَنْزَلْنَا - رَبِّي - قَامُوا

سوالات و تمرینات

- ۱- وقف ابدال را تعریف کنید و موارد آن را شرح دهید و برای هر یک مثال بیاورید.
- ۲- وقف اسکان چیست؟ مثال بزنید.
- ۳- سوره «بلد» را تلاوت کرده، و طرق وقف را در آن مشخص نموده رعایت کنید.
- ۴- استثناء وقف اسکان را شرح دهید.

علائم وقف

مسئله وقف و وصل و ابتدای صحیح عبارات قرآنی، از ضروریات تلاوت کلام خدا است. چه بسا در اثر عدم توجه به این مهم، معانی آیات الهی مخدوش گردد.

اما از آنجا که اکثر مردم به زبان عربی و مفاهیم قرآن آشنایی کافی ندارند، غالباً در انتخاب محل صحیح وقف و وصل و ابتداء دچار مشکل می شوند؛ لذا برای رفع نسبی این مشکل، علاماتی وضع گردیده است که برخی از مهم ترین این علائم (رموز وقف) را شرح می دهیم.

ه = وقف لازم

وقف الزامی است و در صورت وصل، احتمال تغییر مفهوم جمله، زیاد است.

ط = وقف مطلق

تاکید می شود وقف کنید. چون موضوع مورد بحث، تمام است.

ج = وقف جائز

هم می توان وقف کرد و هم می توان وصل نمود.

ز = وقف مُجَوِّز

مانند وقف جائز است. البته وصل آن بهتر است.

ص = وقف مُرَخَّص

به خاطر طولانی بودن جمله و کمبود نفس، رخصت داده می شود وقف کنید و سپس از کلمه بعد ابتدا نمائید.

لا = وقف ممنوع!

نباید وقف کرد. اگر بطور اضطراری مجبور شدید وقف کنید،
حتماً برگردید و مجدداً وصل نمائید.

قلی (بخوانید: قِلا)

وقف بهتر از وصل است

صلی (بخوانید: صِلا)

وصل از وقف بهتر است

•• = وقف مُعَانَقَة

این دو مجموعه سه نقطه ای اگر بر روی دو کلمه نزدیک به هم
قرار داده شود، به این معنی است که در صورت وقف بر هریک از
آنها، بر دیگری نمی توان وقف کرد.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

وقف بر پایان هر آیه - حتی اگر جمله ناقص باشد - سنت نبوی
(ص) است (هرچند در این موارد، وصل آیات بهتر است).

سوالات و تمرینات

۱۲

۱- فرق علائم (م) و (ط) چیست؟

۲- فرق علائم (قلی) و (صلی) چیست؟

۳- آیات ۵۷ تا آخر ۶۳ سوره عنکبوت را تلاوت کرده و علائم

وقف را مشخص و رعایت کنید.

نحوه ابتداء به همزه وصل

تلفظ کلماتی که با سکون یا تشدید شروع می شوند، یا غیر ممکن و یا مشکل است. در زبان عرب نمی توان کلمات مذکور را بدین ترتیب آغاز کرد:

شَتْرِي - تَخَذُوا - نَصْرُنِي

بنابراین، برای سهولت تلفظ این کلمات، از « همزه وصل » استفاده می شود.

همزه وصل، یک نوع الف است که در ابتداء به چنین کلماتی خوانده می شود ولی در میان کلام چون نیازی به آن نیست، ناخوانا می باشد. معمولاً در اکثر قرآنها، بر بالای همزه وصل یک علامت صاد کوچک (ص) دیده می شود:

اَشْتَرِي	اِنَّ اِلَهَ اَشْتَرِي
اَتَّخَذُوا	الَّذِينَ اَتَّخَذُوا
اَنْصُرُنِي	رَبِّ اَنْصُرُنِي

در کتابت قرآن برای همزه وصل، علامت حرکت (فتحه - کسره - ضمه) نمی گذارند و قاری، خود باید قانون حرکت همزه وصل را بداند.

نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتدا به کلمات همزه وصل در آغاز هر سه نوع کلمه عرب (حرف - اسم - فعل) می آید.

۱- حرف

در قرآن، تنها کلمه ای که « حرف » محسوب شده و همزه وصل می گیرد، « حرف تعریف » (الف و لام) می باشد. در واقع « الف » در حرف تعریف، همزه وصل است.



(فِيمَا أَفْتَدَتْ - افْتَدَتْ) - (فَقَدْ أَهْتَدُوا - اهْتَدُوا) -
 (قَالَ اتَّقُوا - اتَّقُوا) - (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا - اغْفِرْ لَنَا) -
 (رَبِّ أَنْصُرْنِي - أَنْصُرْنِي) - (الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا - اسْتَضَعِفُوا) -
 (لَقَدْ اسْتَهْزَيْتَنِي - اسْتَهْزَيْتَنِي) - (عَلَيْهَا أَفْتِرَاءٌ - أَفْتِرَاءٌ)

چند نکته

۱- در شش فعل:

أَقْضُوا - ابْنُوا - اَمْشُوا - اَمْضُوا - اِتُّوا - اِهْدُوا

همزه وصل در حالت ابتداء، به « کسره » خوانده می شود.

۲- همزه ساکنه در کلمات:

اِئْتِ - اِئْتِنَا - اِئْتِيَا - اِئْتُوا - اِئْتُونِي - اِئْتِنَا

در وسط کلام به « همزه » و در صورت ابتدا به کلمه، به

صورت یاء مدی خوانده می شود (اِئْتِ ...)

۳- همزه ساکنه در کلمه « اَوْثَمِنَ » در صورت ابتدا به کلمه، به

شکل واو مدی خوانده می شود (اَوْثَمِنَ)

سوالات و تمرینات

۱- تنها مورد « حرف » دارای همزه وصل در قرآن کدام است؟

حرکت آن در صورت ابتداء چیست؟ مثال بزنید.

۲- اسامی دارای همزه وصل در قرآن را ذکر کنید. حرکت آن

چیست؟ از هر کدام یک مثال بزنید.

۳- در کلمات ذیل حرکت همزه وصل در صورت ابتداء چیست؟

مِنْهُمَا اَذْكَرُنِي - ثُمَّ اَتُّوا - اِنَّ اَبْنَكَ - يَا قَوْمِ اَتَّبِعُوا - مَا اَسْتَجِيبُ -

دَارِ الْاٰخِرَةِ - قَالُوا اَبْنُوا

ترتیل قرآن

و
روش های سه گانه قرائت

در قرآن کریم صراحتاً تاکید شده است که این کلام الهی به « ترتیل » خوانده شود.

« ترتیل » در قرائت عبارتست از:

تلاوت حروف و کلمات قرآن به صورت « صحیح » و

« شمرده » همراه با « تدبیر » در معانی آیات

اما ترتیل قرآن از لحاظ « سرعت » می تواند به سه روش صورت گیرد:

۱- تحقیق

۲- تدویر

۳- تحدیر (حذر)

قرائت به روش تحقیق

یعنی « خواندن قرآن با سرعت کم و دقت زیاد »

از این روش می توان در امر آموزش قرائت استفاده نمود. هر چند آیات کمتری خوانده می شود، اما امکان اداء صحیح حروف و تدبیر در معانی بیشتر است.

۱- اکثر قریب به اتفاق قراءات، در مجالس و محافل به همین روش صورت

می گیرد (قرائت مجلسی)

قرائت به روش تدویر

یعنی « خواندن قرآن با سرعت متوسط »
بدیهی است نسبت به روش تحقیق در یک زمان واحد، آیات
بیشتری خوانده می شود.
این همان روشی است که در میان مردم به روش ترتیل مشهور
شده است.^۱ (شاید به این علت که بهترین نوع ترتیل است و
خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!)

قرائت به روش تحدیر (حذر)

یعنی « تلاوت با سرعت زیاد »
البته بدیهی است که هر چه سرعت قرائت بیشتر می شود،
ناگزیر توانایی در اداء قواعد و تدبیر در معانی کمتر می گردد. اما
بهر حال باید به خاطر داشت که در «حذر» نیز نباید سرعت چنان زیاد
باشد که از حد «ترتیل» خارج شود (مهم).
از این روش، برای تلاوت هر چه بیشتر آیات قرآن و کسب
ثواب افزون تر استفاده می شود و طبعاً برای مبتدی اصلاً روش
مناسبی نیست. چرا که نه قادر به حفظ صحت قرائت خواهد بود و
نه تدبیر در معانی میسر می باشد.

۱- معمولاً تلاوت یک جزء از قرآن به این روش، حدود یک ساعت به طول
می انجامد و اکثراً در ایام ماه مبارک رمضان روزانه یک جزء به این روش از
صدا و سیما پخش می شود.

تجوید

کلمه « تجوید » از نظر لغوی مترادف با کلمه « تحسین » و به معنای « حسن بخشیدن - نیکو گرداندن » است. از نظر اصطلاحی (در قرائت) عبارتست از:

صحيح اداء کردن هر حرف از نظر مخرج، صفات و احکام آن حرف

مخرج حرف: یعنی محل تولید و خروج حرف در دستگاه تکلم.
صفات حرف: یعنی حالات مختلفی که همیشه با حرف همراه است.
احکام حرف: یعنی حالات موقتی که در اثر ترکیب در کلمه برای حرف پیش می آید.

با رعایت این قواعد در واقع آیات کلام الله مجید، زیباتر، نیکوتر و کامل تر تلاوت خواهد شد و لذا به این علم، « علم تجوید قرآن » گفته اند.

تلفظ صحیح حرکات

(کلید اول لهجه عرب)

همان گونه که در مقدمه ذکر شد، اولین کلید مهم لهجه عربی و قرائت کلام الله مجید، اداء صحیح حرکات « کوتاه » و « کشیده » است. اگر کمی دقت کنیم، در لهجه فارسی بین هر یک از حرکات کوتاه و کشیده دو گونه تفاوت وجود دارد:

۱- فتحه و کسره و ضمه از لحاظ « زمانی » کوتاه ولی الف و یاء مدّی و واو مدّی به صورت کشیده - به اندازه دو برابر حرکات کوتاه - تلفظ می شوند (تفاوت کمی).

۲- صداهای کوتاه فارسی غیر از تفاوت در مقدار کشش، از لحاظ « کیفیت » تلفظ هم با صداهای کشیده فارسی مغایرت دارند (تفاوت کیفی).

مثلاً در کلمه فارسی « برادر » برای اداء فتحه حرف « ب » ، دهان تقریباً به صورت افقی باز می شود (برادر)، اما برای تلفظ الف مدّی در کلمه « بابا » ، دهان به صورت عمودی و نسبتاً پُر حجم باز می شود (بابا)

بنابراین، در گویش فارسی، هر قدر فتحه را بکشیم، تبدیل به الف فارسی نمی شود و بالعکس اگر الف را کوتاه کنیم، فتحه فارسی نخواهد شد!

همین تفاوت را عیناً بین کسره و یاء مدّی فارسی و نیز بین
ضمّه و واو مدّی فارسی ملاحظه خواهیم کرد:

کِتَاب - کِیْف کَل - کَوْش

حالا به قانون لهجه عربی توجه کنید:

در لهجه عرب، بین صداهای کوتاه و کشیده، فقط تفاوت « کمی »
وجود دارد اما تفاوت « کیفی » ندارند. بنابراین در عربی، فتحه با
الف مدّی فقط در میزان کشش متفاوتند؛ اما از لحاظ کیفی عیناً
مانند یکدیگر تلفظ می شوند. پس در کلمه عربی « بَرَزُوا » برای
تلفظ صدای کوتاه فتحه « ب »، دهان به صورت افقی باز می شود
و دقیقاً در کلمه « بَارِزُونَ » نیز برای الف مدّی، دهان به صورت
افقی - عیناً مثل فتحه - باز می شود و تنها تفاوتشان در میزان
کشش آنها است (فتحه، کوتاه و الف مدّی، کشیده تلفظ می شود):

بَرَزُوا بَارِزُونَ

لذا در لهجه عرب، اگر صدای فتحه را ادامه دهیم، تبدیل به الف
خواهد شد و الف مدّی را اگر کوتاه کنیم تبدیل به فتحه می گردد
(الف مدّی، دو برابر فتحه است و فتحه، نصف الف مدّی)

همین قانون عیناً بین کسره و یاء مدّی و نیز بین ضمه و واو
مدّی عربی حاکم است. مثلاً:

حَفِظْنَاهَا - حَفِظْ أَتُوا - آوْتُوا

تمرین: مَكْرُوا - مَا كَرِبْنَ - سُوءَ عَمَلِهِمْ - لَيْسُوا وَجْوهَكُمْ - قَتَلُوا
- قُوتِلُوا - جَعَلَ لَهُ - جَعَلَا لَهُ - مُسْلِمُونَ - مُوسِعُونَ - إِلَهُ - اِبْلَافِهِمْ -
سِرَاجاً - سِيرُوا - اِمَائِكُمْ - اِيمَانِكُمْ

سوالات و تمرینات

۱- در لهجه فارسی بین صداهای کوتاه و کشیده چه تفاوت هائی موجود است؟

۲- تفاوت صداهای کوتاه و کشیده عربی در چیست؟

۳- این کلمات را یک بار با لهجه فارسی و بار دیگر با لهجه عربی بخوانید:

لَنَا - شَفَا - لِيَأْسَ - لِسَانَ - لَكُمَا - لَهْمَا - فَيِيمَا - يَرْسِلُ - مُعِدُّكُمْ
مَلَائِكَةُ - اِيْمَانًا - قُلُوبُهُمْ - قُلُوبِهِمْ - مُؤْمِنِينَ - لِيَزِدُوا - لِيَزِدُوهُمْ

۴- قرائت سوره « فاتحة الكتاب » و سوره « اخلاص » را به لهجه عربی تمرین کنید و از این پس در نمازهایتان به همین روش بخوانید.

تلفظ صحیح حروف

(کلید دوم لهجه عرب)

قبلاً بهتر است اشاره ای به تعداد و اسامی حروف زبان عرب داشته باشیم.

تعداد حروف زبان عرب را برخی ۲۸ و بعضی دیگر ۲۹ حرف می دانند. اختلاف در تعداد حروف، به « الف مدی » مربوط می شود که عده‌ای آن را یک حرف مستقل می دانند و بعضی دیگر معتقدند که « الف مدی » صرفاً یک صدای کشیده مانند واو مدی و یاء مدی است و حرف اصلی محسوب نمی شود.

در حال حاضر در فرهنگ های لغت مشاهده می شود که تعداد حروف را ۲۸ عدد ذکر می کنند که اسامی آنها عبارتست از:

الف - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء (زای) - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء
 آنگاه اولین حرف یعنی « الف » را به دو نوع تقسیم می نمایند:

مثال	الف
قَالَ - صَالِحِينَ - يَرَى - حَيَوَةٌ - هَذَا	۱- الف مدی
أَحَدٌ - يَأْتِي - يَشَأُ - مُؤْمِنٌ - خَطْبَةٌ سَوْءٌ - يَبْدِي	۲- الف غیر مدی (همزه)

تلفظ ۱۰ حرف ویژه

این درس مهم، در واقع دومین کلید لهجه عرب است. پس کاملاً دقت کنید و با تمرین کافی، در تلفظ حروف ورزیده شوید. با کمی دقت در تلفظ حروف عربی و مقایسه آنها با تلفظ حروف فارسی، مشخص می‌گردد که در بین ۲۸ حرف زبان عرب فقط ۱۰ حرف از آنها، تلفظ شان با زبان فارسی متفاوت است. این حروف دهگانه عبارتند از:

ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - و

۱۸ حرف باقی مانده از حیث تلفظ تفاوتی با تلفظ فارسی شان ندارند. به عنوان مثال، حرف «ب» در کلمه «ابراهیم» در هر دو زبان به یک شکل تلفظ می‌شود؛ همچنین، عرب حرف «س» را در کلمه «سلام»، دقیقاً مانند یک فارس تلفظ می‌کند. بنابراین، در این مرحله، کافی است که ما تلفظ ۱۰ حرف یاد شده را فرا بگیریم.

حرف «ث»

این حرف را باید به اصطلاح «نوک زبانی» و نازک و کم حجم تلفظ کرد (مانند کودکی که نوک زبانی صحبت می‌کند!). یعنی در حالی که نوک زبان با دندان های جلو در آرواره بالا تماس دارد، هوا را به بیرون می‌دمیم (فشار نوک زبان، بر دندان ها زیاد نباشد).

حرف «ث» بدون این که صدای «سوت» از آن شنیده شود، تلفظ می‌گردد.

مثال:

ثَوَابٌ - ثَقُلْتُ - ثَلَاثٌ - ثَابِتٌ - مَثَابَةٌ - ثُمَّ - ثُلُثٌ - ثَلَاثُونَ -
مَثُوبَةٌ - ثُبُوراً - ثِقَالاً - جَائِزَةٌ - كَثِيراً - يَثْبِثُ - مَثْنَى -
الْأَجْذَاثُ (در وقف)

حرف « ح »

حرف « حاء » با گرفتگی خاصی در حلق، ایجاد می شود. مانند کسی که بخواهد مثلاً پوست تخمه ای را که در حلق گیر کرده، با فشار هوا خارج کند!

مثال:

الْحَمْدُ - حَمِيدٌ - مَعْبَةٌ - حَاجِزاً - الْمِحَالُ - حُسْنًا - حُنْفَاءٌ -
حَمَلٌ - يَحُولُ - دُخُوراً - جِبَالُهُمْ - رَحِمٌ - نَحِيسَاتٍ - نُوحِي - حِيلَةٌ -
رَحْمَنٌ - أَخْيَاهَا - نُخْبِي - الرِّيَاحُ (در وقف)

حرف « ذ »

حرف « ذال » عیناً مانند حرف « ثاء » از تماس نوک زبان و دندان های بالا و با صدای نازک و « کم حجم » تلفظ می گردد (مهم). دقت کنید که فشار نوک زبان بر دندان ها زیاد نباشد.

مثال:

ذَهَبٌ - تَذَرُ - تَبَدُّ - ذَلِكَ - هَذَا - نُذِرُ - الذُّنُوبُ - ذُوْقُوا - ذِرَاعاً -
أَذِلَّةٌ - ذِي قُوَّةٍ - أَذْكَرُوا - يَوْمِئِذٍ (در وقف)

حرف « ص »

حرف « صاد » مانند « س » تلفظ می شود؛ فقط به همراه آن، صدا پرحجم و درشت می گردد (سین پرحجم = سین مُفَخَّم). برای این کار گلو را پرحجم کنید. به اصطلاح عامیانه، باد در گلو بیندازید!

تأکید می شود که هنگام تلفظ « ص » نباید صدای سوت شدید شنیده شود.

مثال:

صَدَقَ - صَلَحَ - قَصَصَ - لَصَادِقُ - صَالِحِينَ - صُرِفَتْ - صُحُفٍ -
الصُّلْحُ - صُورَةٌ - نَصُوحاً - صِرَاطٌ - يَفْصِلُ - نَوَاصِي - نَصِيْباً - أَصْدَقُ -
إِضْرَافاً - مَحِيضٌ (در وقف)

حرف « ض »

حرف « ضاد » از تماس کناره زبان با دندان های آسیای بالا (از هر طرف که مقدور باشد) و با صدای پر حجم و درشت تلفظ می شود. تلفظ « ض » کمی مشکل است. در واقع حرف سرکشی است! برای تسلط بر آن باید تمرین کنید.

مثال:

ضَرَبَ - ضَعِفَ - وَضَعَهَا - ضَالِّينَ - ضَامِرٍ - ضَعْفَاءُ - ضَرِبَتْ -
مَفْضُوبٌ - لَانْفُضُوا - نَضِبَتْ - فِي الْأَرْضِ - أَزْضِي - ضِيْزِي - يَضْرِبُ -
يَسْتَضِعُّ - مَرِيضٌ (در وقف)

حرف « ط »

حرف « طاء » مانند حرف « ت » تلفظ می شود با این تفاوت که صدای آن درشت و پر حجم می باشد (تاء مفخّم).

۱- اگر دقت کنید اکثراً قراء مشهور که نوار تلاوتشان در دسترس است، حرف ضاد را مانند « دال » همراه با صدای پر حجم تلفظ می کنند (دال مُفَخَّم). البته در صورتی که بخواهیم به این روش تلفظ نمائیم، بهتر است « دال مفخّم » را کمی نرم تر اداء کنیم و مانند « دال » با شدت همراه نباشد.

حرف « ط » قوی ترین حرف زبان عرب می باشد.

مثال:

طَبِيبَةٌ - طَبَقًا - فَطَرَ - لِلطَّاعِينَ - قِنطَارٍ - طُمِسَتْ - طُغْيَانًا - مُحِيطٌ -
طُوبَى - يَطُوفُ - طَبَاقًا - طِفْلًا - صِرَاطِي - خَطِيبَةٌ - يَطْهُرُنَ -
أَطْرَافٍ - مُحِيطٌ (در وقف)

حرف « ظ »

این حرف دقیقاً مانند حرف « ذ » از تماس نوک زبان و سر دندان های جلو آرواره بالا ایجاد می شود؛ با این تفاوت که صدا در حرف « ظاء » درشت و پر حجم می گردد (ذال مفخّم). باید دقت کرد که هوا با فشار زیاد در مخرج دمیده نشود.

مثال:

ظَلَمَ - ظَهَرَ - أَعْظَمَ - عِظَامًا - ظَالِمِينَ - ظُلُمَاتٍ - ظَلَمِهِ - الظَّنُّونَا -
أَظُنُّ - تُوَعِّظُونَ - ظِلَالُهَا - ظَهْرِيًّا - عَظِيمٌ - يَظْهَرُ - يَظْلِمُونَ - غَلِظَ
(در وقف)

حرف « ع »

این حرف از میان حلق و به صورت نرم تلفظ می شود و گویی صدا « کش » می آید! (البته این به معنای افراط در نرمی حرف نیست). دقت کنید که حرف « ع » مفخّم و پر حجم اداء نشود.

مثال: عَلِمَ - مُعَلِّمٌ - مَعَكُمْ - يَتَابِعُ - الْعَالَمِينَ - مَعَايِشَ - تَعَدُّوا -
عُتِلَ - عَجَابٌ - مَاعُونَ - بَعُوضَةٌ - الْعِمَادِ - الْعِشَارَ - الْعِزَّةَ - نَعِيمٌ -
مَعِيشَةً - نِعْمَ الْعَبْدُ - مَعْدِرَةٌ - يَغْرِفُونَ - السَّمِيعَ (در وقف)

حرف « غ »

حرف « غین » از همان محل تلفظ حرف « خاء » یعنی از ناحیه حلق تلفظ شده، ولی صدای آن نرم و کشیده و دنباله دار است، و حالت خراش و خشونت حرف « خاء » را ندارد.

صدای « غ » را می توانیم هنگامی که مقداری آب در گلو « غرغره » می کنیم، بشنویم. صدای « غ » باید درشت و پر حجم باشد.

مثال: غَیْر - غَضَبٌ - الْغُرُورَ - فِي الْغَارِ - الْغَافِرِينَ - غَلَامٌ - يَفْعَلُ -
 غُصْبَةٌ - لُغُوبٌ - يَغُوصُونَ - غِطَاءَكَ - غِلٌّ - غِلَاطٌ - يَغْفِظُ - صَغِيرًا -
 يَغْفِرُ - مَغْلُوبٌ - يُغْنِيهِمُ اللَّهُ - غَيْرَ بَاغٍ (در وقف)

حرف « و »

برای تلفظ « واو » نباید مثل صدای فارسی آن، دندان های بالا با لب پایین تماس گردد؛ بلکه در اداء این حرف، لب ها به حالت « غنچه » در می آید و صدای « و » از میان دو لب خارج می شود. باید دقت کرد که حرف واو کم حجم و نازک اداء شود.

مثال: وَرَدَ - الْوَقُودِ - لَوَّوْا - وَارِدَهُمْ - نَوَاصِي - وَجُوهَ - وَعِذْنَا -
 وُلْدَ - وُورِي - غَاوُونَ - الْوِلْدَانَ - آوَانِقُصْ - لِلْغَاوِينَ - مَوْرُودٌ - مَوْلَى -
 بَلَوْنَاهُمْ - آوُوا وَ نَصَرُوا - آوُوا (در وقف)

سوالات و تمرینات

۱- طریقه تلفظ حروف « ث » و « ذ » و « ظ » را شرح داده و از هر کدام سه مثال بیاورید.

۲- تفاوت تلفظ « ح » و « ه » در چیست؟ از هر یک ۳ مثال بزنید.

۳- تفاوت حرف « ص » و « س » در چیست؟ از هر کدام ۳ مثال بیاورید.

۴- حرف « ض » چگونه اداء می‌گردد؟ با ذکر ۳ مثال توضیح دهید.

۵- تفاوت تلفظ « ط » و « ت » را ذکر کنید و از هر یک ۳ مثال بیاورید.

۶- چگونگی تلفظ « ع » را شرح دهید. ۳ مثال بیاورید.

۷- نحوه اداء حرف « غ » را شرح داده و تفاوت آن را با حرف « خ » با ذکر ۳ مثال بیان کنید.

۸- حرف « و » در زبان عرب چه تفاوتی با « و » فارسی دارد؟ ۳ مثال بیاورید.

صفات حروف

کلمه « صفت » یعنی « حالت شیء »
صفات یک حرف عبارتند از:

حالات مختلفی که حرف در هنگام تولید پیدا می کند

مثل سختی، نرمی، سستی و ...

برای قاریان قرآن کریم، شناخت صفات حروف از ضروریات تلاوت است. با رعایت این صفات، « حق » هر حرف به خوبی اداء شده و حروف دقیقاً از یکدیگر متمایز می گردند.
ما، در این کتاب، به چند صفت از مهم ترین و کاربردی ترین صفات حروف اشاره می کنیم.

استعلاء و استفال

این مبحث در واقع بخشی از « کلید سوم لهجه عرب » است که در درس های بعدی، تحت عنوان « تفخیم و ترقیق » بطور مشروح مورد بحث قرار خواهد گرفت. بنابراین، از اهمیت زیادی برخوردار است.

صفت استعلاء

لغت « اِسْتِعْلَاء » به معنای « برتری طلبی - میل به بلندی » و در اصطلاح تجویدی، عبارتست از:

میل ریشه زبان به سوی سقف دهان در هنگام تلفظ حرف

در اثر این صفت، حرف حالت پر حجم و درشتی به خود می گیرد که به این حالت « تفخیم » می گویند. پس:

حروف استعلاء باید با صدای پر حجم و درشت تلفظ شوند

حروف استعلاء هفت حرفند که عبارتند از:



چهار حرف اول یعنی « ص - ض - ط - ظ » از سه حرف باقی مانده درشت تر و قوی ترند. مثال:

ص	صَدَقَ - قَصَصَ - صَادِقِينَ - صَالِحِينَ - صِرَاطَ - نُقِصِلُ - نَوَاصِي - صُرِفَتْ - صُحُفٍ - نَصُوحاً - فِي الصُّورِ - اَصْدَقُ - مَحِيضٍ (در وقف)
ض	ضَرَبَ - ضَعَفَ - ضَاقَ - فَضِيهِنَّ - خَاضِعِينَ - ضِرَاراً - ضِيزِي - اَرْضِي - ضُعَاءٌ - يَعْضُّ - غَيْرِ الْمَغْضُوبِ - يَخُوضُونَ - فَلَا تَضْرِبُوا - وَالْأَرْضِ (در وقف)
ط	طَبَقاً - طَعْمُهُ - لِلطَّاعِينَ - قِنطَارٍ - طِفْلاً - طَبَاقاً - لَطِيفٌ - اَرَهْطِي - طُفْيَاناً - وَالطُّورِ - يَطْوُفُ - اطْرَافَ - مُحِيطٌ (در وقف)



ظ	اَنْقَضَ ظَهَرَكَ - غَلِيظًا - ظَلَّ - ظَاهِرِينَ - تَظَاهَرَا - ظَلَّاهَا - ظِلًّا ظَلِيلًا - عَظِيمٌ - ظُهُورِهَا - مَا أَظُنُّ - تُوعِظُونَ - يَظْلِمُونَ - غَلِيظٌ (در وقف)
خ	خَرَجُوا - خَبَالًا - بَخَارِجِينَ - خَالِدُونَ - خِلَافَكَ - وَالْآخِرَةَ - خَيْفَةً - خُبْرًا - خُلُودٍ - يَخُوضُوا - يَخْرُجُ - أَخْبَارَهَا - صَرِيحٌ - (در وقف)
غ	غَرَبَتْ - غَفَارًا - غَافِرِينَ - فِي الْغَارِ - غِطَاءَكَ - غِلٌّ - يَغِيظُ - لِلطَّاعِينَ - غُرُوبٍ - الْغُيُوبِ - يَفُوضُونَ - بِالطَّاعُوتِ - يَغْفِرُ - مُفَرَّقُونَ - غَيْرَ بَاغٍ (در وقف)
ق	قَبَلٌ - قَتَلُوا - قَالَ قَائِلٌ - قِتَالًا - بِحَقِّ - قِبَلِ لَهُمْ - يُقِيمُونَ - الْحَقُّ - قُرْبَانًا - يَقُولُونَ - مُلَاقُوا - يَقْبَلُ - فَأَقْصِصِ الْقِصَصَ - الطَّارِقُ (در وقف)

صفت استفال

صفت « استفال » به معنای « پائین آمدن - پست شدن » و در اصطلاح تجویدی عبارتست از:

پائین آمدن ریشه زبان و دور شدن آن از کام بالا

در اثر صفت استفال، این حروف به حالت « ترقیق » یعنی با صدای نازک و کم حجم تلفظ می شوند.

بغیر از حروف استعلاء، بقیه حروف دارای صفت استفال هستند. باید دقت کرد که درشتی حروف استعلاء در کلمات، بر تلفظ حروف استفال قبل و بعد آنها، تأثیر نگذارد (مهم).

سؤالات و تمرینات

- ۱- معنی لغوی و تجویدی استعلاء و استفال را بیان کنید.
- ۲- حروفی را که دارای صفت استعلاء هستند نام برده از هر یک مثالی بزنید.
- ۳- چگونگی اداء حروف استعلاء و استفال را شرح دهید.
- ۴- سوره « لیل » را تلاوت نموده و صفات استعلاء و استفال را با دقت رعایت نمایید.

قلقلة - لین

صفت قلقله

کلمه « قَلْقَلَةٌ » به معنای « اضطراب - بی قراری - تکان خوردن »
و در تجوید عبارتست از:

حرکت مختصر حروف ساکن

صفت قلقله مخصوص ۵ حرف « ق - ط - ب - ج - د »
می باشد که در عبارت « قُطِبُ جَدِّ » جمع شده اند.
این حروف هر گاه ساکن شوند، چه در وسط کلمه و چه در آخر
(هنگام وقف)، قلقله می گیرند؛ یعنی باید مختصری حرکت پیدا کنند.
اگر صفت قلقله در حروف « قُطِبُ جَدِّ » رعایت نگردد، صدای این
حروف در هنگام سکون در مخرجشان محبوس شده و به گوش نخواهد
رسید. لذا با « رها کردن » صدای این حروف، مشکل حل می شود.

• دو نکته مهم

۱- باید دقت کرد که قلقله به حرکت کامل (فتحه و کسره و
ضمه) تبدیل نگردد.

۲- در ۲۳ حرف باقی مانده، باید کمال دقت را بنمائید که
در موقع سکون به هیچ وجه قلقله نگیرند (بسیار مهم).

مثال حروف قلقله:

ق	أَقْبَلَ - نَقَّيَسَ - يَقْتُلُونَ - الطَّارِقُ - التَّلَاقُ - طَرِيقُ - فِي رَقٍّ - بِالْحَقِّ
ط	أَطْرَافٌ - نَطَعِمُ - يَطْمَعُ - يَفْرُطُ - مُحِيطٌ - صِرَاطٌ

ب	إِنْرَاهِمَ - أَبْرَمُوا - يَبْسُطُ - يُنْبِتُ - كِتَابٌ - حِسَابٌ - وَتَبٌ - غِيَابَتِ الْجُبِّ
ج	أَجْرَمُوا - أَجْرًا - أَجْدَاثٍ - نَاجٌ - مَعَارِجٌ - مَرِيحٌ - بِالْحَجِّ - حَاخٌ
د	أَذْبَرٌ - آرْذْنَا - يَذْرُسُونَ - حَمِيذٌ - بَعِيذٌ - أَلْتَنَّاذٌ - يَوْذٌ - نُمِذٌ - حَاذٌ

صفت لین

« لین » به معنای « نرمی - ضد خشونت » و در تجوید عبارتست از:

به نرمی اداء شدن حرف

این صفت، مخصوص دو حرف « واو ساکنه ماقبل، مفتوح و یاء ساکنه ماقبل، مفتوح » است. (وَ ، يَ)
 مثال: خَوْفٍ - قَوْمٌ - يَوْمًا - لَبَقُوا - عَصَا - بَيْتٍ - إِلَيْكَ -
 شَيْءٌ - إِنْشَى - إِنْشَى

سوالات و تمرینات

- ۱- قلقله به چه معنا است و حروف آن کدامند؟
- ۲- دو نکته مهم درس قلقله را بیان کنید.
- ۳- سوره « بلد » را بخوانید و موارد قلقله را رعایت کنید.
- ۴- این بار سوره « انشراح » را بخوانید و سکون کامل حروف غیر قلقله را رعایت کنید.
- ۵- صفت « لین » به چه معنا است. حروف آن کدامند؟

احکام حروف

« احکام » حروف حالاتی است که هنگام ترکیب حرف در کلمه برای آن پیش می آید. به عبارت دیگر، شرایطی که در کلمه پیش می آید و نیز حروف قبل یا بعد، موجب بروز این حالات (احکام) در حرف می شود.

مثلاً حرف راء ساکنه، در صورتی که حرف ماقبل آن مفتوح باشد، تفخیم می شود (درشت اداء می گردد).

حال آن که اگر حرف ماقبل، مکسور باشد، راء تفخیم نمی شود. یا نون ساکنه اگر مابعد آن مثلاً « ل » قرار گیرد، « ادغام » می شود؛ اما اگر بعد آن حرف « د » واقع شود، دیگر ادغام نمی گردد.

پس « تفخیم » و « ادغام » و ... از احکام حروفند.

تفخیم و ترقیق حروف

(سومین کلید لهجه عرب)

این درس همان گونه که قبلاً هم گفتیم، سومین کلید لهجه عرب و نیز از مهم ترین درس های تجوید قرآن است. کاربرد قواعد این درس از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

تفخیم

این کلمه، مترادف کلمه «تسمین» و به معنای «بزرگداشت» است. البته «تسمین» به چاق کردن، فربه نمودن گفته می شود؛ اما «تفخیم» جنبه معنوی دارد و بزرگ داشتن مقام کسی یا چیزی است. تفخیم در تجوید عبارتست از:

درشت و پر حجم تلفظ کردن حرف

پس «استعلاء» به معنای تفخیم نیست! بلکه حروف استعلاء نیز مانند برخی حروف دیگر که فرا خواهیم گرفت، پر حجمند و تفخیم می شوند. کلمه «تفلیظ» هم در تجوید به معنای تفخیم است، ولی فقط در مورد پر حجمی صدای حرف «ل» به کار رفته است.

ترقیق

کلمه «ترقیق» ضد تفخیم بوده و به معنای «رقیق کردن» - از غلظت چیزی کاستن «آمده است.

ترقیق در اصطلاح تجویدی عبارتست از:

نازک و کم حجم تلفظ کردن حرف

لذا در تجوید قرآن، هر جا که حرف یا حرکت درشت تلفظ شود، در واقع «تفخیم» گشته و هر جا نازک اداء گردد، «ترقیق» شده است.

به عنوان یک راهنمایی کلی بهتر است بدانیم به جز برخی موارد، اصولاً فتحه و ضمه موجب تفخیم اند و کسره، عامل ترقیق است. در مورد تفخیم حروف استعلاء قبلاً صحبت کرده ایم؛ اینک به ترتیب به موارد تفخیم و ترقیق حروف دیگری که در این باب واقع شده اند یعنی « ل »، « ر » و « الف مدی » می پردازیم.

تغلیظ و ترقیق حرف « ل »

به درشت و پر حجم تلفظ شدن « ل » به جای تفخیم، « تغلیظ » گویند که هر دو به یک مفهوم است. * در لفظ جلاله (یعنی در کلمه الله)، اگر ماقبل حرف « ل » آن فتحه یا ضمه بیاید، لام تغلیظ می شود و اگر ماقبل آن کسره واقع شود، ترقیق می گردد.

<p>مثال تغلیظ لام</p> <p>اللَّهُ - هُوَ اللَّهُ - إِنَّ اللَّهَ - فَرَضَ اللَّهُ - أَرِنَا اللَّهَ - يَدُ اللَّهِ - نَصْرُ اللَّهِ - رَسُولُ اللَّهِ - عَلَّمَهُ اللَّهُ - وَأَتَقُوا اللَّهَ</p>	
<p>مثال ترقیق لام</p> <p>لِلَّهِ - بِاللَّهِ - بِسْمِ اللَّهِ - فِي اللَّهِ - سَبِيلِ اللَّهِ - يَجِدِ اللَّهَ</p>	

تمرینات بیشتر: غَيْرَ اللَّهِ - قَدَرُوا اللَّهَ - بَلِ اللَّهِ - عَلَيَّ اللَّهُ - نَسُوا اللَّهَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - شَاءَ اللَّهُ - آيَاتُ اللَّهِ - عَلَيْهِ اللَّهُ - صَدَقَ اللَّهُ - جَعَلَهُ اللَّهُ - عِنْدَ اللَّهِ - عَفَا اللَّهُ - قُلِ اللَّهُ

* در سایر کلمات (غیر از الله)، حرف لام بدون استثناء

« ترقیق » می شود (مهم) .

مثال: خَلَقَ - ظَلَمُوا - صَلَّاتٍ - أَظْلَمَ - صَلَوَةٌ - سُلْطَانٌ - ظُلْمَانٌ

سوالات و تمرینات

- ۱- معنی تفخیم و ترقیق در تجوید چیست؟
- ۲- تغلیظ « ل » در کجا صورت می پذیرد؟ با ذکر مثال شرح دهید.
- ۳- ترقیق « ل » در کجا صورت می گیرد؟ با ذکر مثال شرح دهید.
- ۴- سوره « زمر » را از آیه ۳۵ (لِيَكْفِرَ) تا آخر آیه ۳۸ تلاوت نموده و موارد تغلیظ و ترقیق لام را با دقت رعایت کنید.

تفخیم و ترقیق حرف « ر »

برای فراگیری سریع تر این درس، به راهنمایی های ذیل توجه کنید:
 * اصولاً اگر حرف « راء » حرکت داشته باشد، نیازی به توجه به حروف ماقبل و مابعد آن نیست.

* اگر «راء» ساکن بود، به ماقبل آن نگاه می کنیم؛ اگر ماقبل آن هم ساکن بود، باز به ماقبل ساکن نگاه می کنیم که حرکت دارد و از آن کمک می گیریم.
 * قبلاً هم گفتیم که در اکثر موارد، فتحه و ضمه سبب تفخیم و کسره سبب ترقیق است. مگر این که عاملی بر آن ها چیره شود که حکم را عوض کند و آنها را در متن درس یاد خواهیم گرفت.
 اینک به موارد تفخیم و ترقیق « راء » توجه کنید.

مثال	موارد « تفخیم » راء
رَحْمَنٌ - رُحَمَاءُ	۱- راء مفتوح و مضموم
يَرْضَى - الْقُرْآنُ	۲- راء ساکنه ماقبل، مفتوح و مضموم
عَشْرٌ - حُسْرٌ	۳- راء ساکنه ماقبل، ساکن ماقبل، مفتوح و مضموم
نَارٌ - نُورٌ	۴- راء ساکنه ماقبل، الف و واو مدی
رَبِّ اَرْجَعُونِ - اِرْجَعُونِ	۵- راء ساکنه ماقبل، همزه وصل (اگرچه حرکت ماقبل راء، کسره باشد)
مِرْصَاداً - فِرْقَةٌ	۶- راء ساکنه مابعد، حرف استعلاء به شرطی که در یک کلمه باشند (اگرچه حرکت ماقبل راء، کسره باشد)

۱- البته این مورد را می توان جزء مورد سوم نیز دانست اما جهت سهولت فراگیری، جداگانه آوردیم.

اینک مثال های بیشتر برای تمرین:

- ۱- رَبِّ - رَحِمَ - نُرِدُّ - فَرَضَ - قَدِرَ - ذُوْمِرَّةَ - فِرَاراً - شَرَابٌ -
 زَارِقٌ - تَدْرُ - حُرْمَاتٍ - رُزِقَ - غَفُورٌ - الرَّوْحُ - هَارُونَ
 ۲- يَرْضَى - الْقَمَزَ - أَرْسَلَ - مَرْيَمَ - قُزَانٌ - فُزْقَانٌ - أَرْسِلَ - دُسْرَ -

فَاهْجَزُ

- ۳- وَالْفَجَزُ - وَالْوَثْرُ - وَالْعَضْرُ - لَفِي خُسْرٍ - الْعُسْرُ - الْيُسْرُ
 (در وقف)

- ۴- نَارٌ - النَّهَارُ - مِغْشَاةٌ - مَعَ الْأَبْرَازِ - بُوزٌ - غَفُوزٌ - شَكُوزٌ - فَخُوزٌ
 (در وقف)

- ۵- لِمَنْ أَرْتَضِي - أَرْتَضِي - رَبِّ أَرْحَمَ - أَرْحَمَ - إِنْ أَرْتَبْتُمْ - أَرْتَبْتُمْ -
 أَرْجِي

- ۶- لِبِأَلِيمِزْصَادٍ - مِزْصَاداً - إِرْصَاداً - فِرْقَةٍ - قِرْطَاسٍ

موارد « ترفیق » راء:

مثال	موارد
رِجَالٌ - أَرْنَا	۱- راء مكسور
فِرْعَوْنٌ - مِرْيَةٌ	۲- راء ساكنه ماقبل، مكسور
السَّخْرُ - الذِّكْرُ	۳- راء ساكنه ماقبل، ساكن ماقبل، مكسور
قَدِيرٌ - يَسِيرٌ	۴- راء ساكنه ماقبل، ياء مدى
خَيْرٌ - غَيْرٌ	۵- راء ساكنه ماقبل، ياء ساكنه (اگر چه ماقبل آن، حرف مفتوح باشد)

اینک مثال های بیشتر برای تمرین:

۱- آرنا - لاتذركه - وأستغفر الله - أخرجنا - نذر - يوم الآخر -

حرمت - الرياح - نهر - على سفر - ريح - قريباً

۲- الأذية - مزية - يغفر لكم - ويجزكم - يوم عسر - من مدكر -

مستمر - منتشر

۳- أهل الذكر - لذي حجر - في سدر - به السخر

۴- يسير - خبير - نصير - بشير - نذير - بصير

۵- السيز - الطيز - غير - لاضير - بالخيز

تفخیم و ترقیق الف مدی^۱

الف مدی در واقع دنباله فتحه است و مانند خود فتحه، از لحاظ تفخیم و ترقیق، تابع حرفی است که پایه الف شده است. پس اگر حرفی که پایه الف مدی است، مفخم باشد الف نیز باید تفخیم شود. بالعکس اگر حرف مذکور ترقیق بشود، الف نیز ترقیق می گردد.

موارد	مثال
تفخیم الف مدی	قال - صادقین - ضامر - فالله - يدالله - رازقین
ترقیق الف مدی	يشاء - فلما - مالك - انسان - ايمان

۱- در مبحث تفخیم و ترقیق حروف، به عنوان کلید سوم لهجه عرب، این بخش از درس اهمیت ویژه ای دارد.

سوالات و تمرینات

۱- در کلمات زیر حرف راء چه حکمی دارد؟ تفخیم یا ترقیق؟
اٰخِرِيْنَ - نَصْرُ اللّٰهِ - وَاذْكُرْ رَبَّكَ - اَبْصِرْهُمْ - الْاَزْبَةَ - مِرْصَادًا -
الْفَجْرَ - يَسْبِرْ - اَنْصَارَ - بِشَرِّ - رَبِّ اَرْحَمُهُمَا - فَاَصْبِرْ صَبْرًا -
وَلَا تُصَيِّرْ خَدَّكَ

۲- سوره « انبياء » را از آیه ۲۴ (اَمْ اَتَّخَذُوا) تا آخر آیه ۲۸
تلاوت نمائید و موارد تفخیم و ترقیق حروف را با دقت
رعایت کنید.

باب ادغام

دستگاه تکلم انسان همیشه در پی سهل ترین وضعیت تلفظ حروف است.

یکی از راههای « ایجاد سهولت در کلام »، ادغام حروف در یکدیگر است. معمولاً حروفی در هم ادغام می شوند که از لحاظ مخرج، یا صفات با یکدیگر مشترک، یا نزدیک بهم باشند و در موقع تلفظ، در واقع مزاحم هم باشند و لذا چاره ای جز حذف یکی از آنها نیست.

« ادغام » در لغت به معنای « ادخال - داخل نمودن » و در تجوید عبارتست از:

حذف حرف ساکن و مشدد نمودن حرف بعدی

مثال:

قُلْ لَهُمْ ← خوانده می شود قُلَّهُمْ

قَدْ تَبَيَّنَ ← خوانده می شود قَدَّتَبَيَّنَ

حرف ساکن حذف شده را « مُدْغَمٌ » یعنی « ادغام شده » و حرف بعدی را که مشدد می شود، « مُدْغَمٌ فِيهِ » می نامند

موارد ادغام در روایت حفص از عاصم

۱- هر حرفی که ساکن باشد، در مثل خودش ادغام می شود

مانند: قَدْ دَخَلُوا

۲- ب — در — م

مانند: آذْكَبَ مَعَنَا خوانده می شود آذْكَمَعَنَا

اما میم ساکنه در باء ادغام نمی شود

۳- (ت - د - ط)

هر کدام ساکن باشد و دیگری بعد آن واقع شود،

ادغام صورت می گیرد. مانند:

أَثَقَلَتْ دَعَا اللَّهَ - وَدَّتْ طَائِفَةٌ - قَدْ تَبَيَّنَ - بَسَطَتْ

۴- (ث - ذ - ظ)

هر کدام ساکن باشد و دیگری بعد آن واقع شود،

ادغام صورت می گیرد. مانند:

يَلْهَثُ ذَلِكَ - إِذْ ظَلَمُوا

۵- ق — در — ك

مانند: أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ

۶- ل — در — ر

مانند: قُلْ رَبِّي

اما راء ساکنه در لام ادغام نمی شود.

۱- حروف یرملون عبارتند از: ی - ر - م - ل - و - ن . این بخش در درس بعدی به طور

مشروح بیان خواهد شد.

۷- ن ← یرملون (ی - ر - م - ل - و - ن)

در غیر موارد فوق به روایت « حفص از عاصم »
ادغامی صورت نمی‌گیرد.

تمرین:

كَمْ مِنْ - يُذِرْكُمْ - قُلْ لَهُمْ - مِنْ نَارٍ - أَوْوَرُّوْا - اِرْكَبْ مَعَنَا -
عَنْ نَفْسٍ - هَمَّتْ طَائِفَةٌ - لَقَدْ تَابَ - اِذْظَلَمْتُمْ - اُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ -
تَسْتَطِيعَ عَلَيْهِ - فَرَّطْتُمْ - اِحْطَتْ - اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ - يُوجِّهَهُ - قُلْ رَبِّ -
يَلْهَثْ ذَلِكَ - فَمَا رِبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ - مَنْ يَشَاءُ - اِذْهَبْ بِكِتَابِي -
مِنْ وَلِيِّ - مِنْ لَدُنْكَ - مِنْ رَبِّكُمْ - مِنْ مَالٍ - بَلْ رَبُّكُمْ

سوالات و تمرینات

- ۱- ادغام در لغت و در تجوید به چه معنا است؟
- ۲- در ادغام، از کدام حرف بعنوان « مدغم » نام می‌بریم؟
- ۳- فایده ادغام چیست؟
- ۴- در کدام یک از مثالهای ذیل ادغام صورت می‌گیرد؟
اِذْرَبْنَ - يَلْهَثْ ذَلِكَ - وَاعْفِرْ لَنَا - اِذْصَرَفْنَا - اِذْظَلَمُوا - اِرْكَبْ مَعَنَا -
قَدْجَاءَ - لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا

احکام نون ساکنه و تنوین

نون ساکنه یا تنوین با توجه به حرفی که بعد آن قرار می گیرد، چهار حالت گوناگون به خود می گیرد. احکام چهارگانه نون ساکنه و تنوین عبارتند از:

۱- اظهار	۲- ادغام
۳- اقلاب	۴- اخفاء

از این پس هر گاه نام نون ساکنه ذکر شد؛ تنوین را نیز شامل می شود.

۱- اظهار

اظهار به معنای « ظاهر کردن » بوده و در تجوید عبارتست از:

« اداء حرف از مخرجش »

هر گاه نون ساکنه قبل از « حروف شش گانه حلقی » واقع شود، اظهار می گردد. یعنی نون به صورت طبیعی و اصلی خود و بدون هیچ گونه دخل و تصرف، از مخرجش اداء می شود.

حروف حلقی عبارتند از: « ء - ه - ع - ح - غ - خ »

مثال و تمرین:

حرف حلقی	در یک کلمه	بین دو کلمه	با تنوین
ء - ا	يَنَّاوْنَ	مِنْ أَمْرِهِمْ	كُلُّ أَمَنٍ
ه	مِنْهُمْ	إِنْ هُوَ	فَرِيقًا هَدَى
ع	أَنْعَمْتَ	مَنْ عَمِلَ	سَمِعَ عَلِيمٌ
ح	تَنْحِتُونَ	فَمَنْ حَجَّ	حَكِيمٌ حَمِيدٌ
غ	فَسَيُفِضُونَ	مِنْ غِلٍّ	قَوْلًا غَيْرَ
خ	الْمُنْحِقَةَ	مِنْ خَيْرٍ	حَكِيمٌ خَيْرٌ

۲- ادغام

معنای ادغام را قبلاً فرا گرفته ایم.

هرگاه نون ساکنه قبل از یکی از حروف « یَزْمَلُونَ » یعنی (ی - ر - م - ل - و - ن) واقع شود، نون ساکنه در آن حرف ادغام می شود. یعنی نون ساکنه خوانده نمی شود و به جای آن حرف مذکور مشدد اداء می شود.

باید توجه کرد که ادغام نون ساکنه در چهار حرف « یمون » همراه با « غَنَّة » و در دو حرف « ل - ر » بدون غَنَّة است. منظور از « غَنَّة » این است که در هنگام ادغام نون ساکنه در چهار حرف « یمون »، صدا از بینی خارج شده و « کمی کشیده می شود ». اما در دو حرف « ل - ر » ادغام بدون صدای غَنَّة بوده و کشش هم ندارد (مهم).

مثال و تمرین:

مَنْ يَهْدِي - اِنْ يَسْرِقْ - اَيَّةُ يُعْرِضُوا	ی	ادغام با غَنَّة
مِنْ مَالٍ - وَ مَنْ مَعَهُ - قَرَارٍ مَكِينٍ	م	
مَنْ وُجِدَ - مِنْ وَلِيِّ - يَوْمَئِذٍ وَاِجْفَاءُ	و	
عَنْ نَفْسٍ - اِنْ نَخْنُ - شَيْءٍ نَكْرٍ	ن	
اِنْ لَبِثْتُمْ - مِنْ لَدُنْكَ - مَتَاعاً لَكُمْ	ل	ادغام بدون غَنَّة
مِنْ رَبِّكُمْ - مِنْ رِبَاطٍ - مَثَلًا رَجُلًا	ر	

• نکته ۱: در چهار کلمه « دُنْيَا - بُنْيَانٌ - قِنْوَانٌ - صِنْوَانٌ » که نون ساکنه و حرف یرملون در یک کلمه قرار گرفته است، ادغام صورت نمی گیرد و نون اظهار می گردد.

• نکته ۲: در دو مورد « یَسٌ * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ » و « ن * وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ » نیز در صورت وصل حروف مقطعه به آیه بعد، نون اظهار می شود.

۳- اقلاب

اقلاب به معنای « دگرگون کردن - تبدیل نمودن » و در تجوید عبارتست از:

تبدیل کردن نون ساکنه به میم

این کار زمانی صورت می گیرد که نون ساکنه به حرف «ب» برسد.
مثال: مِنْ بَعْدِ - مِمَّ بَعْدِ

دقت کنید که صدای « م » ایجاد شده باید از فضای بینی و به همراه کمی کشش اداء شود. (غنة)

مثال و تمرین:

مُنْبِتًا - أَنْبِيَاءَ - أَنْبِئْهُمْ - فَأَنْبِذْ - فَأَنْبِجَسَتْ - مِنْ بَعْدِ - مِنْ بَطُونِ -
مَنْ بَعَثْنَا - مِنْ بَقْلِهَا - أَمَدًا بَعِيدًا - بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ - سَمِيعٌ بَصِيرٌ

۴- اخفاء

اخفاء به معنای « مخفی کردن » و در تجوید عبارتست از:

اداء نون ساکنه با حالتی بین اظهار و ادغام

نون ساکنه نزد بقیه حروف (حروف مابقی) اخفاء می گردد.

در این حالت، نون از مخرج خود اداء نمی شود (یعنی سر زبان به محل خروج نون نمی چسبد) بلکه فقط صدای آن از فضای بینی خارج می شود (غنة) ؛ لذا کمی هم باید کشیده شود و سپس حرف بعدی تلفظ گردد. مثال و تمرین:

حرف مابقی	در یک کلمه	در دو کلمه	با تنوین
ت	أَنْتُمْ	وَإِنْ تَبْتُمْ	يَوْمًا تُزْجَعُونَ
ث	مَنْثُورًا	مِنْ ثَمَرَةٍ	خَيْرٌ ثَوَابًا
ج	أَنْجَيْنَا	إِنْ جَاءَكُمْ	لِكُلِّ جَعَلْنَا
د	عِنْدَهُمْ	مِنْ دَارِهِمْ	قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ
ذ	أَنْذَرَهُمْ	مِنْ ذُرِّيَّةٍ	يَتِيمًا ذَامِقْرَبَةٍ
ز	أَنْزَلَ	مَنْ زَكَّيْهَا	نَفْسًا زَكِيَّةً
س	إِنْسَانٌ	أَنْ سَيِّكُونُ	لِيَالٍ سَوِيًّا
ش	أَنْشَأْنَا	مِنْ شَرٍّ	غَفُورٌ شَكُورٌ
ص	يَنْصُرُكُمْ	أَنْ صَدُّوكُمْ	رِيحًا صَرَّصَرًا
ض	مَنْضُودٍ	مِنْ ضَعْفٍ	قَوْمًا ضَالِّينَ
ط	قِنْطَارٍ	مِنْ طِينٍ	صَعِيدًا طَيِّبًا
ظ	أَنْظُرُ	مَنْ ظَلَمَ	ظِلًّا ظَلِيلًا
ف	أَنْفُسَهُمْ	مِنْ فَضْلِ	خَالِدًا فِيهَا
ق	يَنْقَلِبُ	مِنْ قَبْلِ	سَمِيعٌ قَرِيبٌ
ك	عَنْكُمْ	مَنْ كَانَ	قَوْلًا كَرِيمًا

سوالات و تمرینات

- ۱- احکام نون ساکنه و تنوین را نام ببرید.
- ۲- حروف حلقی کدامند و حکم نون ساکنه نزد آنها چیست؟
با ذکر مثال شرح دهید.
- ۳- ادغام نون را از نظر لغوی و تجویدی شرح داده و حروف آن را ذکر نمائید.
- ۴- ادغام نون ساکنه چند نوع است؟
- ۵- کلماتی را که در ادغام نون ساکنه حالت استثناء دارند نام ببرید.
- ۶- نون ساکنه نزد چه حرفی به چه حرفی « تبدیل » می شود؟ با ذکر مثال شرح دهید.
- ۷- غنه را تعریف کنید.
- ۸- اخفاء نون از نظر لغوی و تجویدی به چه معنا است و نزد چه حروفی صورت می گیرد؟ مثال بزنید.
- ۹- سوره « طور » را از آیه ۱۷ (إِنَّ الْمُتَّقِينَ) تا آخر آیه ۲۸ تلاوت کرده و موارد احکام نون ساکنه را رعایت کنید.

احکام « میم » ساکنه

میم ساکنه با توجه به حرفی که پس از آن قرار گرفته است، سه حالت به خود می گیرد. احکام سه گانه میم ساکنه عبارتست از:

۱- ادغام	۲- اخفاء	۳- اظهار
----------	----------	----------

۱- ادغام

میم ساکنه فقط در نزد حرف « م » ادغام می شود.
میم ساکنه خوانده نشده و به جای آن « م » بعدی مشدد می شود.
میم مشدد باید با « غنة » اداء شود (یعنی از فضای بینی و همراه کشش صوت)

مثال و تمرین:

كَمْ مِنْ - هُمْ مِنْهَا - قَالَ لَهُمْ مُوسَى - اِنَّكُمْ مُلَاقُوهُ -
رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ - يَمْتَعِكُمْ مَتَاعاً - مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

۲- اخفاء

میم ساکنه نزد حرف « ب » اخفاء می گردد.
این اخفاء با « غنة » همراه است (پس همراه مقداری کشش صوت از فضای بینی است)

نحوه اخفاء میم ساکنه نزد حرف « باء » به این شکل است که:
صدای میم ساکنه را اندکی می کشیم و سپس باء را تلفظ می کنیم. بهتر است در هنگام کشش میم ساکنه، لب ها را مقدار کمی از هم باز نگهداریم.

باید توجه داشت که میم ساکنه حاصله از اقلاب نون ساکنه و تنوین هم نزد « ب » همین حکم را پیدا می کند و اخفاء می شود. پس در نهایت اقلاب نون ساکنه و اخفاء میم ساکنه به یک صورت انجام می شود.

مثال و تمرین:

وَهُمْ بَارِزُونَ - أَنْتُمْ بِهِ - هُمْ بَدُوْكُمْ - جُلُوْدُهُمْ بَدَلْنَاَهُمْ -
إِنَّهُمْ بَادُونَ - مِنْ بَعْدِ (مِمَّ بَعْدِ) - فَمَنْ بَدَّلَهُ (فَمِمَّ بَدَّلَهُ) -
أَمَدًا بَعِيدًا (أَمَدَمَّ بَعِيدًا) - خَيْرٌ بِمَا (خَيْرُكُمْ بِمَا)

۳- اظهار

میم ساکنه در نزد بقیه حروف « اظهار » می شود یعنی به صورت طبیعی خود از مخرجش اداء می گردد. پس نه کشش صدا و نه هیچ تغییر دیگری در میم ساکنه صورت نمی گیرد.

سوالات و تمرینات

- ۱- احکام میم ساکنه چند تا است؟ نام ببرید.
- ۲- چند حکم از احکام میم ساکنه با « غنة » همراه است؟ برای هر کدام مثال بزنید.
- ۳- مجدداً سوره « طور » را از آیه ۱۷ تا آخر آیه ۲۸ تلاوت کرده و این بار احکام میم ساکنه را جستجو کرده و رعایت نمایید.

احکام مدّ و قصر

این مبحث از مباحث مهمّ و شیرین تجوید است که اجرای احکام آن نقش زیادی در زیبایی لحن تلاوت دارد. « مدّ » از لحاظ لغوی به معنای « زیادت - افزونی » و از نظر تجوید عبارتست از:

امتداد صوت در حروف مدّ بیش از میزان طبیعی

« قصر » به معنای « کوتاهی » و ضدّ مدّ است. در تجوید به معنای « اداء حرف مدّ به اندازه طبیعی » آن می باشد. هرگاه بعد از حروف مدّی (الف مدّی - واو مدّی - یاء مدّی)، « همزه » یا « سکون » واقع شود حرف مدّ باید بیش از میزان طبیعی کشیده شود. پس:

سبب مدّ دو تا است: همزه - سکون

باید دانست که « تشدید » هم به خاطر آن که یک حرف ساکن در درون آن نهفته است، سبب مدّ محسوب می شود.

مثال: جَاءَ - اِنَّا اَنْزَلْنَا - سَوَّءَ - قَالُوا اِنَّا - جِيءَ - فَبِيْ اَيَاتِنَا -
اَلْاَنَ - مُفْلِحُوْنَ (در وقف) - مُؤْمِنِيْنَ (در وقف) - ضَالِّينَ -
اَتُحَاوُّوْنَ - اَلْمَ (الف لَام مِپَم)

نکات مهمّ

۱- اگر حرف مدّ و « همزه » در یک کلمه قرار داشته باشند (مدّ متصل)، میزان کشش مدّ بیش از زمانی است که همزه در کلمه بعد واقع شود (مدّ منفصل) .

مد متصل می تواند مساوی مد منفصل هم کشیده شود. اما دیگر کمتر از منفصل نمی شود! باید توجه داشت حداکثر کشش مد متصل و منفصل ۲/۵ برابر حالت طبیعی است.

مثال مد متصل: تَشَاءُ - خَطِيئَةٌ - سُوءٌ - أَوْلَيْكَ - سَبَّحْتَ - لَيْسُوا
مثال مد منفصل: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - فِي آيَاتِنَا - قَالُوا إِنَّا - إِنَّمَا أَدْعُوا -
لَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا - بَيْنَهُ أَمَدًا

۲- وقتی سبب مد، سکون « عارض » باشد که به خاطر وقف ایجاد شده است (سکون موقت)، کشش مد به هر میزان مجاز است (حداکثر ۳ برابر مد طبیعی) و حتی می توان مد آن را نیاورد. به این مد « مدّ عارض » گویند.

مثال: الْحِسَابُ (الْحِسَابُ) - أَطْفُون (أَطْفُون) - مُؤْمِنِينَ (مُؤْمِنِينَ) - الْمُفْلِحُونَ (الْمُفْلِحُونَ) - الْأَبْصَارُ (الْأَبْصَارُ) - كَافِرِينَ (كَافِرِينَ) - كِتَابٌ (كِتَابٌ) - كَثِيرٌ (كَثِيرٌ)

۳- وقتی سبب مد، سکون « لازم » باشد که ثابت و همیشگی است، و یا سبب، « تشدید » باشد (مدّ لازم)، میزان کشش مد به حداکثر خود که سه برابر مدّ طبیعی است، می رسد و کمتر از آن جایز نیست.

مثال: الْآنَ - ضَالِّينَ - الْحَاقَّةُ - الصَّافَّاتُ - آلر (الف لآم را) -
آلم (الف لآم میم = الف لآمِمْ) - طَسَمَ (طاسِمْ = طاسِمْ)

۴- دو حرف (و - ی) ساکنه ماقبل، مفتوح نیز که قبلاً در بحث صفت « لین » آنها را شناختیم، حرف مدّ محسوب می شوند ولی

سبب مدّشان، فقط سکون است. میزان کشش هم مانند مدّ عارض است. به این مدّ، « مدّ لپن » گویند. باید دقت کنیم که در موقع کشش مدّ لین، فتحه ما قبل را به جای واو و یاء ساکنه، مدّ ندهیم!

مثال:

خَوْفُ (خَوْف) - إِلَيْكَ (إِلَيْكَ) - قَوْمُ (قَوْم) - قُرَيْشٍ (قُرَيْش) -
 كَهَيْعَصَ (کاف ها یا عَيْنُ صاد) - حَمَّ عَسَق (حامیم عَيْنُ سین قاف)

سوالات و تمرینات

- ۱- مدّ را تعریف کنید و سبب آن را بیان نمایید.
- ۲- میزان مدّ متصل بیشتر است یا مدّ منفصل؟ چرا؟!
- ۳- در کلمات ذیل نوع مدّ را مشخص کنید و کلمه را با دقت بخوانید:

بَنِي آدَمَ - أَبَانْنَا - يُؤْمِنُونَ - دَابَّةٌ - مَا لَا تَرَوْنَ

- ۴- در حروف مقطعه اوائل سوره ها، انواع سبب مدّ و انواع مدّ را جستجو و مشخص کنید.

- ۵- سوره « نمل » را از آیه ۸۲ (واذا وقع ...) تا آخر آیه ۸۸ تلاوت کرده موارد مدّ را رعایت کنید.

موارد سکت در قرآن

«سَکَت» به معنای «توقف- سکوت» و در قرائت، عبارتست از:
«قطع صوت در حین قرائت بدون تجدید نفس و سپس ادامه قرائت»

موارد سکت واجب در کلام الله مجید (به روایت حفص از عاصم)

۱- عِوَجًا * قِيَمًا	(سوره کهف - آیه ۱) «عِوَجًا» در وقف و سکت «عِوَجًا» خوانده می شود.
۲- مَرْقِدِنَا * هَذَا	(سوره یس - آیه ۵۲)
۳- مَنْ * رَاقٍ	(سوره قیامه - آیه ۲۷)
۴- بَل * رَانَ	(سوره مطففین - آیه ۱۴)

◆ در غیر این موارد، «سکت» در قرائت، واجب نیست.

سومین ویراستاری: بهار ۸۴

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ